نگاه از درون

زنان کارآفرین ایران امروز

• بر اساس آمارهای بانک‌مرکزی نزدیک ۲۰درصد زنان ایرانی در سال ۱۳۹۱ دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. از مجموع زنان شاغل در ایران در سال ۱۳۹۱ بر اساس رشته فعالیت، ۰/۲درصد آنها کارفرما بودند، سه‌درصد آنها کارکن مستقل بوده و ۵/۲درصد آنها کارکن موسسات دولتی و عمومی بودند. همچنین ۵/۵درصد آنها کارکن موسسات خصوصی بوده و ۰/۶درصد از آنها کارکن فامیلی یا بدون مزد بودند. بر این اساس مشخص است اکثر زنانی که در ایران شاغل هستند به سمت فعالیت به عنوان کارمند یا کارگر تمایل دارند اما اینجا ما در مورد آن ۰/۲درصد کارفرما حرف می‌زنیم. معرفی تمامی آنها نه در اینجا که اصولا در هر تولید رسانه‌ای به لحاظ حجم ممکن نیست، بنابراین اجازه دهید کوتاه به برخی از چهره‌های شاخص این حوزه بپردازیم.

سیده‌فاطمه مقیمی: مقیمی از جمله زنان کارآفرین و رسانه‌ای است. در رسانه‌ها هر وقت بحث کارآفرینی زنان در ایران شده اول سراغ او رفتند، البته این‌روزها او رقیبی به اسم فاطمه دانشور هم پیدا کرده که در ادامه به او هم خواهیم پرداخت. وی متولد سال ۱۳۳۷ در تهران و مهندس راه و ساختمان است. مدیرعامل شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی‌وکشتیرانی سدیدبار و عضو هیات‌مدیره چند شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی هم به شمار می‌رود اما شهرتش را مدیون عضویت در اتاق بازرگانی است. جالب است بدانید که او گواهینامه پایه یک هم دارد.

نازیلا قانع‌فرد: مدیرعامل و عضو هیات‌مدیره شرکت فناوری اطلاعات پرند است. شرکت فناوری اطلاعات پرند دارای ۲۲ نفر پرسنل ثابت و تا ۱۰ نفر پرسنل فصلی است. نازیلا قانع‌فرد شروع فعالیتش را با فروش کارت‌های اینترنتی و تلفن در خانه آغاز کرده است.

سارا شاهوردی: جوان و متولد ۱۳۵۷ است. زمینه فعالیت جالبی دارد. وی ساکن روستای بزین زنجان است. اما در آن روستا موسس و مدیرعامل بنگاه موتوسیکلت سارا است. تا دوم نظری درس خوانده اما خودش می‌گوید: کشاورز، تعمیرکار، سوارکار و فروشنده موتوسیکلت، ماما و آسیابان است. شاهوردی یک‌بار تعریف کرده که ۴۰۰نوزاد در روستای خودش و روستاهای اطراف به‌دنیا آورده.

هما کمالی: متولد سال ۱۳۲۲، صاحب شرکت تابلوسازی ایران نیرو، سازنده تابلوهای توزیع نیرو با فشار و کنترل است. در ایران ۵۰شرکت در این صنعت از وزارت صنایع مجوز دارند که یکی از این ۵۰شرکت، شرکت کمالی است. وی در بخش بازرگانی نیز فعال بوده و تاکنون چهار شرکت بازرگانی را ثبت و اداره کرده است. این شرکت‌ها به ترتیب تاسیس عبارتند از: شرکت «نیروکو» که به واردات و صادرات از طریق کشور ترکیه می‌پردازد، شرکت «زاوش کالا» که واردات لوازم برقی را برعهده دارد، شرکت «بل» که در نرم‌افزارهای کامپیوتری و سیستم‌های مدیریتی فعال است و «توان‌کاران» که لوازم الکترونیک وارد می‌کند.

شیوا بحرینیان: صاحب موسسه «گلخانه نادین» باغدار نمونه زن استان اصفهان و تولیدکننده برتر گل و گیاه زینتی طی سال‌های ۸۵ و ۸۸ است.او لیسانس مهندسی کشاورزی از دانشگاه آزاد خوراسگان دارد و هفت پرسنل ثابت و ۱۰ پرسنل فصلی دارد.

امیلیا عبداللهی: پزشک است و متولد ۱۳۵۵. او موسس و مدیرعامل زایشگاه و بیمارستان کوثر در ایلام است. امیلیا عبداللهی اهل فیلیپین است ولی با همتی مثال‌زدنی برای زنان منطقه محروم ایلام در حوزه بهداشت و درمان تلاش می‌کند.

زهره تحریریان: عامل اشتغال ۱۲۰نفر است.احتمالا شما در تهران نان او را خورده‌اید. او صاحب شرکت تولید و تحقیقات نان هورسان است.

لعیا رویایی: او صاحب شرکت تفلون کومه است. درباره مشکلاتی که بعد از پایان جنگ داشته و نزدیک بود کار او را با شکست مواجه کند، می‌گوید: «بعد از جنگ و به دلیل به هم‌خوردن نظم مالی هر روز ظروف را داخل ماشین می‌گذاشتم و مغازه به مغازه از ابتدای شهر تا انتها به مغازه‌ها عرضه می‌کردم. بالاخره با وجود اینکه در بازار کالای خارجی بسیار خریدار داشت و فرهنگ حاکم برجامعه ترجیح کالای خارجی ولو با کیفیت پایین بود، توانستم موفق شوم.»

فاطمه دانشور: مدیرعامل و موسس شرکت سیاحان سپهرآسیا، رییس هیات‌مدیره و موسس شرکت معدن کاو، عضو هیات‌مدیره شرکت بین‌المللی ADK در دوبی (تجارت بین‌الملل) و... . او همچنین به خاطر فعالیت‌های خیریه‌ای که دارد صاحب شهرت است. بدون شک زنان ایرانی موفق و کارآفرین همین چند نفر نیستند. این زنان به خاطر زمینه فعالیت جالب و رسانه‌ای‌بودن به شهرت رسیدند، اما حتما زنان دیگری هستند که چه‌بسا از اینها موفق‌تر هم باشند، ولی ما آنها را نمی‌شناسیم.

معصومه آیت‌اللهی: متولد سال ۱۳۴۱، دارای درجه مربیگری در چند رشته ورزشی، موسس و مدیر باشگاه ورزشی بم- کرمان است.

عکس‌ها: حمید صادقی

یک روز با تنها رییس «زن» معدن در ایران

ریاست زنانه؛ ۵۰ متر زیرزمین

روز اول، کارگران از دیدن من شاخ درآوردند

صدرا محقق: قبل از اول اسفند امسال و سفر به استان کرمان مثل خیلی‌های دیگر درباره سخت‌بودن کار معدن و مشقات کارگرانی که در تونل‌های تاریک اعماق زمین کار می‌کنند، چیزهایی شنیده، خوانده و دیده بودم. اما حالا پس از تجربه گشتی دو ساعته در عمق تونل‌های حقیقتا وحشتانگیز یک معدن زغال‌سنگ در شهرستان کوهبنان این استان بی‌هیچ اغراقی می‌توانم بگویم کار در معدن سخت‌ترین کار دنیاست و هیچ نوشته، عکس و فیلمی نمی‌تواند سختی‌های آن را همانگونه که هست به مخاطب نشان دهد. معدنی که سوژه این گزارش شد سراپرده نام دارد و با ۹۵ کارگر در شمال استان کرمان واقع است. این معدن در فاصله ۸۰کیلومتری شهر زرند و ۱۵۰کیلومتری شهر کرمان واقع است. ریاست معدن سراپرده را یک زن برعهده دارد.

مهناز میرزایی متولد سال ۱۳۵۹ در شهر زرند استان کرمان است، او که ورودی سال ۱۳۸۷ و دانش‌آموخته کارشناسی مهندسی معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان است کار خود در معدن خصوصی زغال‌سنگ سراپرده را از سال ۱۳۸۴ و بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه آغاز کرد.

او یک سال ابتدایی کارش را در قامت کارشناس در این معدن گذراند و به گفته خودش هر روز صبح از ساعت ۵:۴۰ صبح برای رفتن به سر کار از خانه بیرون می‌زد، خود را به ایستگاه می‌رساند و در کنار دیگر کارگران سوار بر مینی‌بوسی می‌شد تا او و کارگران را به محل معدن برساند. با این حال از وقتی که در این معدن رییس شده است حالا ماشین و راننده اختصاصی خودش را دارد که هرروز صبح او را از زرند به محل کارش می‌رساند و برمی‌گرداند.

میرزایی درباره تجربه چگونگی آغازبه‌کار و سال ابتدایی حضورش در معدن سراپرده اینگونه می‌گوید: «شهر زرند محیط معدنی دارد. در اکثر خانواده‌ها افرادی هستند که با معدن ارتباط داشته باشند، یعنی بحث معادن در خانواده‌های زرندی بحث غریبه‌ای نیست، البته من خودم از ابتدا از نزدیک معدن ندیده بودم ولی به این رشته و کار علاقه داشتم، به همین خاطر هم رشته مهندسی معدن را در دانشگاه انتخاب کردم. دوره کارآموزی‌ام را در کارخانه زغال‌شویی زرند گذراندم و همانجا مسوول بخشی که با او کار می‌کردم این کار را برای من پیدا کرد. سال ۸۴ وقتی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم در این معدن مشغول شدم. روز اول که برای دیدن کار به اینجا آمدم همه کارگران و مسوولانی که اینجا بودند از دیدن من شاخ درآوردند، برایشان عجیب بود که یک زن برای کار به اینجا آمده است، کسی که قرار بود قسمت‌های مختلف معدن را به من نشان دهد گفت باید داخل تونل‌ها را هم ببینی، من گفتم مشکلی ندارم، وقتی وارد شدیم من را به سخت‌ترین نقاط تونل برد، یعنی حتی در جاهایی مجبور بودیم سینه خیز جلو برویم، شاید تصور می‌کرد با نشان‌دادن سختی‌های کار من منصرف می‌شوم، ولی وقتی از تونل بیرون آمدیم و نظرم را پرسید من گفتم برای شروع کار آماده‌ام. آن زمان این معدن مهندس معدن و زمین‌شناس نداشت به همین دلیل فشار کار من خیلی زیاد بود و بیشتر کارها برعهده خودم بود، یعنی هرروز مجبور بودم داخل تونل‌ها بروم و از کارگاه‌های استخراج دیدن کنم.»

یک‌سال بعد میرزایی حکم ریاست را از صاحب معدن گرفت و رییس معدن زغال‌سنگ سراپرده شد. اینگونه بود که او اولین و تنها زن رییس معدن زغال‌سنگ در تمام کشور شد؛ جایگاهی که هنوز هم پس از گذشت هشت‌سال از آن تاریخ به نظر می‌رسد کسی مشابه او در جایی مشغول نشده باشد.

او شش‌روز در هفته از ساعت ۶:۳۰ صبح تا شش عصر در معدن سراپرده کار می‌کند و هر چند وقت یکبار برای دیدن شرایط کاری کارگران و تونل‌ها و کارگاه‌های استخراج و دیگر شرایط معدن مجبور است به عمق تونل‌ها برود. معدن او ۹۵ کارگر دارد. غیراز او و یکی دیگر از مهندسان معدنش که از چندی پیش کار خود را آغاز کرده ۹۳ نفر مابقی همه مرد هستند. خانم بهاءالدینی همکار مهناز میرزایی هم مهندسی معدن دارد و وقتی دید یک زن رییس معدن شده است برای مشغول به کار شدن سراغ او آمد. تجربه ریاست بر معدنی که همه ویژگی‌های آن از محیط تا وسایل و سبک کار مردانه است برای زن‌جوانی همچون میرزایی تجربه متفاوت و عجیبی است. خودش در همین رابطه به «شرق» می‌گوید: «اوایل وقتی کارم را شروع کردم واکنش کارگران نسبت به من زیاد بود و در برابرم جبهه می‌گرفتند، یعنی اصلا برایشان قابل‌قبول نبود که یک خانم بخواهد توی معدن کار کند چه برسد به اینکه قرار باشد به آنها دستور هم بدهد. برایشان سخت بود و واکنش منفی داشتند، یعنی وقتی دستور می‌دادم که تنبلی نکنید یا جدی‌تر کار کنید و... واکنش نشان می‌دادند، ولی در این مدت صاحب معدن حمایت‌های زیادی از من داشت، شاید اگر او نبود من جا می‌زدم. البته من اساسا اهل جازدن نیستم.» این را می‌گوید و می‌خندد، بعد ادامه می‌دهد: «سال ۸۴ که من آمدم در کرمان و دیگر نقاط کشور، جایی نبود که یک زن در معدن کار کند آن هم معدن زغال‌سنگ که سخت‌ترین نوع معدن است. شاید در جاهایی مثل معدن مس سرچشمه و گل گهر و... زنانی باشند اما کار آنها اجرایی و دفتری است. معدن‌های روباز با معادن زیر زمینی خیلی متفاوت هستند و شرایط کاری دیگری دارد. در این مدت اعتراض و واکنش کارگران معدن برای من عادی شده است؛ یعنی از این چیزها زیاد دیده‌ام.

مهناز میرزایی که کارگرهایش او را مهندس میرزایی صدا می‌کنند، از خانواده‌ای می‌آید که هفت خواهر و برادر هستند. دو خواهر و پنج برادر. او بزرگ‌ترین خواهر این خانواده است و دو برادرش هم در کار معدن هستند، یکی در معدنی دیگر کار می‌کند و دیگری که از مهناز هم بزرگ‌تر است همینجا زیردست خواهر کوچک‌تر لوکوموتیوران معدن سراپرده است. این معدن هم مثل همه دیگر معادن زغال‌سنگ بخش‌های مختلفی دارد؛ نجاری، خدماتی، جوشکاری، تراشکاری، قسمت‌های ماشین‌آلات، برق و استخراج که بیشترین تعداد کارگران را دارد حدود ۶۰ نفر از کارگران در سراپرده و زیر زمین کار می‌کنند. بر اساس قانون کارگران بخش استخراج روزانه شش ساعت و کارگران دیگر بخش‌ها که کارشان بیرون از تونل است در روز باید هفت ساعت و ۴۰ دقیقه کار کنند.

او سه سال اول حضور و ریاستش در معدن را مجرد بود و پس از آن در سال ۸۷ ازدواج کرد. کار شوهرش هم در ارتباط با معدن اما خارج از کارگاه‌های معدن و دفتری است. حاصل این ازدواج یک دختر دو سال و چهارماهه است که به گفته میرزایی بعضی روزها به‌خاطر کار معدن شاید مجبور شود او را با خود به اینجا بیاورد. شوهرش هم با کارکردنش مشکلی ندارد و مثل دیگر اعضای خانواده بیشتر از آنکه مانع از حضور او در معدن باشد مشوقش بود.

با این همه حضور او در این معدن راه را برای حضور زنانی دیگر به عرصه کارهای معدنی باز کرده است. خودش می‌گوید تا حالا چندین خانم برای مشغول به کار شدن به اینجا آمده‌اند، احتمالا اینکه شنیده‌اند رییس اینجا یک زن است آنها را ترغیب کرده که برای مشغول شدن اقدام کنند، برخی‌هایشان البته در همان روز اول با دیدن شرایط و محیط کار جا زده و منصرف شده‌اند، برخی هم ماندند و حالا در معادنی دیگر مشغول به کار شده‌اند. برخی از این خانم‌ها همکلاسی مهناز میرزایی بوده‌اند.

معدن سراپرده بر اساس برآوردها سه‌میلیون تن ذخیره اثبات‌شده دارد و تا عمق ۴۰۰متری زمین رگه‌های زغال‌سنگ آن قابل بهره‌برداری است. کارگران این معدن در عمق ۵۰ متری مشغول به کارند و با پیکور و دیگر دستگاه‌ها مشغول استخراج زغال هستند. بوی پراکنده و پر حجم گاز، تونل‌هایی به‌سیاهی قیر، احتمال خودسوزی لحظه‌به‌لحظه زغال‌سنگ‌ها و ریزش تونل و... تنها بخشی از خطراتی است که هر روزه کارگران این معدن و معادنی مانند آن با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. درست در همان ساعات میانی روز اول اسفند وقتی همراه با خانم رییس معدن مشغول دیدن قسمت‌های مختلف تونل‌های این معدن بودیم، خبر آمد در معدن زغال‌سنگی دیگر که تنها چندکیلومتر با اینجا فاصله داشت انتشار گاز باعث انفجار شد و سه کارگر را به کام مرگ فرستاد، هفت کارگر هم با سوختگی ۶۰ تا ۷۰درصدی مواجه شدند و نتیجه آنکه آن معدن برای همیشه تعطیل شد.

از مهناز میرزایی می‌پرسم به تعبیری در پاره‌ای مواقع کارفرمایان به این دلیل کارمند یا مسوول زن استخدام می‌کنند چون معتقدند فرمانبرداری زنان از مقام مافوق بهتر است و همین‌طور نسبت به مردها انتظارات و حقوق کمتری هم دریافت می‌کنند، آیا درباره شما هم این دلایل برای انتخاب ریاست معدن دخیل بوده است، در پاسخ اول لبخند می‌زند و بعد این‌طور پاسخ می‌دهد: «به نظر من خانم‌ها روی کارشان حساس‌تر هستند و آن را جدی‌تر می‌گیرند. صاحب این معدن هم تحصیلکرده این رشته و هم بازنشسته صنایع معادن است و سابقه بسیار زیادی در این کار دارد. به نظرم اینکه بخواهد محتاطانه در این‌باره تصمیم بگیرد و به این دلیل یک زن را رییس معدن انتخاب کند، منطقی نیست، قبل از من اینجا یک رییس مرد داشت ولی اینجا نماند، اما من حالا هشت‌سال است مانده‌ام، برخی از همکاران مرد من شاید حقوقشان از من بیشتر باشد اما به دلیل سابقه کارشان است نه بحث جنسیت. نکته دیگر اینکه صاحب معدن ساکن کرمان است، هر روز آخر وقت به معدن سر می‌زند، بعضی وقت‌ها هم می‌شود که چند روز اصلا به اینجا سر نمی‌زند، چون چند معدن دیگر هم دارد، یک معدن زغال‌سنگ، یک معدن مس و یک معدن منگنز، اما بقیه معادن به نوعی زیر مجموعه معدن من هستند. من به آنها سر می‌زنم و روند کارها را گاهی بررسی می‌کنم. یعنی معدن اصلی اینجاست، حتی روسای دیگر معادن هم اگر بخواهند مرخصی بروند یا برای بقیه کارها، با من هماهنگ می‌کنند. صاحب معدن هم به خاطر وقت و هم به خاطر سن و سال خودش خیلی درگیر این کارها نمی‌شود.» در دیگر معادنی که میرزایی از آنها نام برد و در اختیار صاحب معدن سراپرده هستند، در مجموع بیشتر از ۶۰ نفر دیگر کار می‌کنند.

در این مدتی که در معدن هستم، تا حالا پیش نیامده که فکر کنم این کار را ول کنم و برم سراغ کارهای دیگر، من زود جا نمی‌زنم و روحیه‌ام این‌طور نیست، هیچ وقت خسته نشده‌ام که بخواهم کارم را ول کنم، با اینکه خستگی این کار هم به لحاظ روحی و هم جسمی زیاد است

میرزایی در خلال صحبت‌هایش یادش نمی‌رود که از رشته تحصیلی‌اش در دانشگاه هم یادی بکند. او می‌گوید: «الان رشته مهندسی معدن دانشجوی زن نمی‌گیرد که به نظرم کار اشتباهی بود. به‌نظرم هیچ رشته‌ای را نباید و نمی‌شود گفت حتما زنانه باشد یا حتما مردانه، هر کس ممکن است توی یک کار مفید باشد و به آن علاقه داشته باشد. خیلی کارها هم هستند که آنها را به‌عنوان کارهای زنانه می‌شناسیم ولی مردها خوب انجامشان می‌دهند، کارهای به ظاهر مردانه‌ای مثل معدن را هم ممکن است یک زن بهتر از بقیه انجام دهد. من با علاقه‌ای که به کار معدن دارم شانس آورده‌ام که یک نفر در بخش خصوصی پیدا شده که برایش زن و مرد فرقی ندارد و گرنه در بخش دولتی که امکان پیشرفت در آن وجود ندارد. خوشبختانه بعد از من شرایط طوری شد که راه برای خیلی از خانم‌ها باز شد و آنها در تعدادی از معادن استخدام شدند.»

مهناز میرزایی درباره چشم‌اندازی که از کارش دارد به «شرق» می‌گوید: «نمی‌دانم اینجا و در این معدن برای همیشه بمانم یا خیر، اما این را می‌دانم که دوست دارم همیشه در همین معدن که مرتبط با رشته تحصیلی و علاقه‌ام هست، کار کنم.» او همین‌طور درباره واکنش روسا و مسوولان دیگر معادن مشابه به حضور او به‌عنوان رییس معدن در سراپرده نیز می‌گوید: «صاحبان و روسای دیگر معادن را هر از گاهی می‌بینم، واکنش بسیاری از آنها در ظاهر به انتخاب یک رییس معدن زن برای معدن زغال‌سنگ خیلی خوب است. مردانی هستند که بعضی از آنها سابقه کاری بسیار بالایی دارند ولی با من خیلی خوب و محترمانه رفتار می‌کنند، یعنی خوششان می‌آید که یک زن رییس معدن شده است. البته خب بعضی‌ها هم خوششان نمی‌آید، این‌طور که من متوجه شدم معتقدند یک زن نمی‌تواند رییس معدن باشد.»

این بخش دیگری از حرف‌های او در رابطه با چشم‌انداز کارش است: «در این مدتی که در معدن هستم، تا حالا پیش نیامده که فکر کنم این کار را ول کنم و برم سراغ کارهای دیگر، من زود جا نمی‌زنم و روحیه‌ام این‌طور نیست، هیچ وقت خسته نشده‌ام که بخواهم کارم را ول کنم، با اینکه خستگی این کار هم به لحاظ روحی و هم جسمی زیاد است. مثلا زنان فامیل و برخی دوستان من برایشان عجیب بود و هست مخصوصا اوایل شروع به کارم، اما حالا شرایط عوض شده و بعد از این همه سال با آن کنار آمده‌اند، ولی آن روزها می‌پرسیدند: آیا توی تونل هم می‌روم، یا اینکه صورتم سیاه هم می‌شود و...» گشت و بازدید ما از قسمت‌های مختلف تونل‌های معدن زغال‌سنگ سراپرده و کارهای به راستی جان فرسای کارگران معدن که تمام شد گفت‌وگو با خانم رییس معدن هم تمام شده بود. در تونل‌های پیچ در پیچ معدن در حالی که برای بیرون‌رفتن از عمق زمین گام بر می‌داشتیم، از دور نور خروجی تونل مشخص شد، نزدیک‌تر که شدیم و نور بیشتر شد، جایی از تونل از او خواستم همانجا بایستد تا عکسش را بگیرم، وسط تونل نشستم و مشغول تنظیم لنز دوربین بودم که ناگهان جسمی سنگین و هولناک از پشت با من برخورد کرد، روی زمین افتادم و دوربین از دستم میان گل و لای سیاه کف تونل افتاد، جسم سنگین و ناشناس در شیب ۳۰ درجه تونل هر لحظه بیشتر وزنش را روی تن من می‌انداخت، هیچ تصوری نداشتم که چه اتفاقی افتاده است، تنها وحشت را در چهره میرزایی دیدم که به‌سرعت به سمتم دوید و تلاش می‌کرد جلوی آن را بگیرد، در نهایت با کمک او و تلاش خودم روی زانوهایم چند گامی جلو رفتم و خودم را به گوشه‌ای پرت کردم، آنچه دیدم واگنی بزرگ و آهنی بود پر از الوار و چوب که روی ریل‌های تونل با تسمه‌ای به سمت پایین درحال حرکت بود، در تاریکی و روشنایی خروجی تونل ما متوجه آمدنش نشدیم و اگر کمی دیر جنبیده بودم، آن روز اول اسفند همزمان با تولدم همانجا در معدن زغال‌سنگ سراپرده... .

عکس: شرق

زاویه دید

زنان معدن‌کار جهان

محبوبه حسین‌زاده

• معادن تا چنددهه اخیر، گزینه مناسبی برای اشتغال زنان نبوده‌اند. در آفریقای‌جنوبی تا دهه ۱۹۹۰، اشتغال زنان در معادن غیرقانونی بود. تجهیزات و امکانات کم معادن زیرزمینی، باعث شده بود تا فعالیت در معادن، کاری سخت و پرمخاطره و شغلی مردانه محسوب شود. اما در دهه‌های اخیر، پیشرفت‌های تکنولوژیکی که در این عرصه صورت گرفته حضور و مشارکت زنان در صنایع معادن را افزایش داده است.

در استرالیا، در سال ۲۰۰۱، زنان ۱۰درصد از شاغلان در صنایع گاز، نفت و معادن را تشکیل می‌دادند اما در سال ۲۰۰۹ تعداد زنانی که تازه وارد این صنایع شدند، فقط ۸/۷ درصد کمتر از مردان بود. همچنین در همین سال تعداد زنانی که دارای مشاغل ارشد مدیریتی در این صنایع بودند، ۳۸/۱درصد کمتر از تعداد همتایان مردشان بود.

زنان کانادایی علاقه‌مند به استخدام در بخش معادن هستند. زنان شاغل در این صنعت از ادارات و آزمایشگاه‌ها و اپراتورهای تجهیزات سنگین گرفته تا سطوح مدیریتی و کارشناسی حضور دارند. آمار نشان می‌دهد کانادا در سال ۲۰۱۰، دارای ۹۶۸معدن فعال بود که این معادن، ۳۶بیلیون‌دلار از تولید ناخالص ملی کانادا را به خود اختصاص داده بودند. در سال ۲۰۱۰، از هر ۵۵کارگر کانادایی، یک‌نفر آنها در بخش معادن شاغل بودند. برآوردها نشان می‌دهد بخش اکتشاف و معادن این کشور با کمبود شدید نیروی کاری در سال ۲۰۱۷ مواجه خواهند شد و در دهه بعد نیاز به استخدام ۶۰هزارنفر در بخش معادن دارند. به همین دلیل استخدام زنان به عنوان یک اصل اساسی برای تامین کمبود نیروی کار در بخش معادن کانادا در نظر گرفته شده است. هم‌اکنون ۱۴/۶درصد از کارفرماهای بخش معادن، سیاست‌هایی را برای استخدام زنان در این بخش به کار گرفته‌اند. این در حالی است که در آمریکا به‌دلیل جایگزینی تکنولوژی‌های پیشرفته با نیروی کار و سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی در زمینه انرژی‌های سبز و تجدیدپذیر، پیش‌بینی می‌شود استخدام در بخش معادن در سال ۲۰۱۸ به میزان ۱۴/۵درصد کاهش یابد.

اما با این حال همچنان تفاوت‌هایی بین دستمزد زنان و مردان شاغل در بخش معادن کانادا وجود دارد. در بخش معادن زغال سنگ، دستمزد مردان ۲۲/۷درصد بالاتر از دستمزد زنان است و دستمزد مردان در بخش معادن فلزات ۳۱/۹درصد، معادن آهن ۲۹/۳درصد و در صنایع آلومینیوم ۲۵/۲درصد بالاتر از دستمزد زنان است.

در کانادا، ۱۶/۶درصد سیاست‌گذاران، مدیران و مقامات ارشد صنایع معادن را زنان تشکیل می‌دهد که این رقم در آمریکا ۳۱/۶درصد، استرالیا به ۱۵درصد، برزیل به ۱۵درصد، مکزیک به چهاردرصد و در روسیه به ۱۴/۷درصد می‌رسد. در همین حال تعداد کارکنان و کارگران زن شاغل در بخش معادن در کانادا به ۲۷/۹درصد، آمریکا به ۱۲/۲درصد، استرالیا به ۲۲/۸درصد، برزیل به ۲۶/۲درصد، مکزیک به ۳۴/۵درصد و روسیه به ۴۲/۶درصد می‌رسد.

در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته تلاش می‌شود با سیاست‌گذاری‌های لازم، میزان مشارکت زنان در صنایع معادن افزایش یابد، در کشورهایی همانند هند وضعیت کاملا برعکس است. گزارش‌های منتشرشده توسط سازمان‌های غیردولتی و نهادهای دولتی در هند نشان می‌دهد زنان و کودکان از قربانیان اصلی صنایع معادن هستند و میزان بی‌سوادی در بخش‌هایی از این کشور که وابسته به معادن هستند، از میانگین کشوری بالاتر است. کودکانی که در این مناطق محروم به دنیا می‌آیند، دسترسی به مدرسه و آموزش ندارند و در بیشتر موارد، مادران چاره‌ای ندارند جز اینکه کودکان را همراه خود به

معادن ببرند تا از همان دوران خردسالی یاد بگیرند که چگونه سنگ‌های معادن را به قطعات کوچک‌تر خرد کنند. نتایج گزارش‌های برخی سازمان‌ها و نهادها در ایالت راجستان هند نشان می‌دهد حدود ۳۷۵هزار کودک در معادن همین ایالت مشغول به کار هستند. زنان با حقوق بسیار اندک، فقط برای پرداخت بدهی‌های شوهرانشان یا برای تامین هزینه‌های ناچیز زندگی‌شان به اشتغال در معادن روی می‌آورند. زنان به‌عنوان نیروی «فاقد مهارت»، کارهایی نظیر دستچین و جداکردن سنگ معادن، شکستن و خردکن سنگ معادن و بارکردن آنها را برعهده دارند و در ازای همه این کارها، روزی فقط ۴۰روپیه (حدود دوهزارتومان) درآمد دارند، این در حالی است که دولت، حداقل دستمزد روزانه برای مشاغل فاقد مهارت در هند را روزی صدروپیه اعلام کرده است. مسلما زنان با چنین دستمزدی، توانایی خارج شدن از فقری را که دچارش هستند، ندارند. علاوه بر همه اینها، این زن‌ها که بیشتر آنها از لحاظ جایگاه اجتماعی و سیستم طبقه‌بندی هند در رده‌های بسیار پایینی قرار دارند، همواره در معرض آزار و اذیت جنسی توسط صاحبان معادن قرار دارند.